

www.ketab.ir



-جهان نو-

تراموا

کلود سیمن

ترجمه‌ی محمدمهدی شجاعی

سرشناسه: سیمون، کلود

Simon, Claude

هنوان و نام پدیدآور: تراموا / کلود سیمون / ترجمه‌ی محمدمهدی شجاعی

مشخصات نشر: تهران: نشر چشمه، ۱۴۰۲

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص

شابک: ۹-۱۱۵۵-۰۱-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Le tramway, 2001

موضوع: داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م

موضوع: French fiction--20th century

شناسه‌ی افزوده شجاعی، محمدمهدی، ۱۳۶۵، مترجم

ردیف‌بندی کنگره: PQ۲۶۲۳

ردیف‌بندی دیوبی: ۸۲۳/۹۱۴

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۹۱۵۸۸۵۵

تراوا

کلود سیمون

ترجمه‌ی محمد مهدی شجاعی

ویراستار: سعید صافیان

مدیر هنری: نواد فراهانی

همکاران آمادسازی: نینا روزندی، شیما صبر

اینترگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۳، تهران

چاپ دوم: تابستان ۱۴۰۳، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه نقیض و استفاده از این اثر مشروط به دریافت اجازتی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۱-۱۱۵۵-۹

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی خانواده‌ی فرهنگی چشمه: تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتابفروشی چشمه‌ی کریم خان: تهران، خیابان کریم خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره‌ی
۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — کتابفروشی چشمه‌ی کورش: تهران، بزرگراه ساری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی،
مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۹ — کتابفروشی چشمه‌ی کارگر: تهران، خیابان
کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳ — کافه کتاب گیلگمش:
تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان عضدی (بابان) جنوبی، ابتدای خیابان جعفر شهیدی (سپند)، پلاک ۷۲. — کتابفروشی
چشمه‌ی دانشگاه: تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، بین فخر رازی و دانشگاه، پلاک ۱۲۰۶. تلفن:
۶۶۴۷۹۴۷۰ — کتابفروشی چشمه‌ی جم: تهران، نیاوران، جماران، مجتمع تجاری جیم سنتر، طبقه‌ی دوم، پلاک ۱۱.
تلفن: ۲۶۴۵۰۸۷۲ — کتابفروشی چشمه‌ی فلامک: تهران، شهرک غرب، خیابان استاد شجریان (فلامک
شمالی)، نبش نوزدهم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۷۲۰۹۵ — کتابفروشی چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان مدرس، نبش
مدرس ۲۱، مرکز خرید پلازا، طبقه‌ی سوم، واحد ۳۱۱. تلفن: ۲-۴۴۴۲۳۰۷۱ (۰۱۱) — کتابفروشی چشمه‌ی
دلشدگان: مشهد، بلوار وکیل آباد، بین وکیل آباد هجده و بیست (بین هفت تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن:
۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱) — کتاب فروشی چشمه‌ی دلشدگان آرمیتاز: مشهد، بلوار وکیل آباد، بلوار هفت تیر، مجتمع
تجاری آرمیتاز، طبقه‌ی سوم. — کتابفروشی چشمه‌ی رشت: رشت، خیابان معلم، میدان سرگل، کوچه‌ی هفدهم.
تلفن: ۲۱۴۹۸۴۸۹ (۰۹۰) — کتابفروشی چشمه‌ی البرز: کرج، عطیمیه، بلوار شریعتی، مرکز تجاری فرهنگی
مهرادمال، طبقه‌ی پنجم. تلفن: ۳۵۷۷۷۵۰۱ (۰۲۶)

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

تلفن پخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

سال شمار زندگی کلود سیمون*

- ۱۸۷۴ بیست و هفتم ژوئیه: تولد آنتوان لوئی اژن سیمون، پدر کلود سیمون، در پلانژ، روستایی نزدیک آربوا در ژورا. کلود اتین سیمون، تاجکستان داری جزء، و همسرش ژوزفین شازران پیش از این فرزند سه دختر داشتند: ماری لوئیز خیاط می شود، اژنی ژوزفین و امیلی آرتمیز معلم می شوند.
- ۱۸۷۷ هشتم نوامبر: تولد سوران ژوزفین لوئیز دنامی یل، مادر کلود سیمون، در پرینیان. پدرش، آلفرد گوستاو دنامی یل، مهندس راه سازی و پل سازی، در ۱۸۷۹ مرد. مادرش، لوئیز ماریان لکومب سن میشل، از خانواده ای با پیشینه ای نظامی و از تاجکستان داران بود.
- ۱۸۹۵ لوئی سیمون در آزمون ورودی سن سیر [مدرسه ای نظامی] پذیرفته می شود.
- ۱۸۹۸-۱۹۰۹ ستوان سیمون در خارج از کشور در گردان های مختلفی از پیاده نظام نیروی دریایی خدمت می کند: در مارتینیک (اکتبر ۱۸۹۸ - ژوئن ۱۹۰۲)، در ماداگاسکار (ژوئن ۱۹۰۲ - اکتبر ۱۹۰۶)، در تنکین (شمال ویتنام) (ژوئن ۱۹۰۸ - دسامبر ۱۹۰۹).

* برگرفته از سایت انتشارات مینوی به نقل از سال شمار زندگی کلود سیمون، مجموعه آثار کلود سیمون، بیلینک دلیناد، گالیما، ۲۰۰۶، این سال شمار با همکاری کلود ورنه سیمون تنظیم شده است. این نکته را نیز باید افزود که تمام پانزشت های کتاب از مترجم است.

- ۱۹۱۰ هشتم فوریه: ازدواج لونی سیمون با سوزان دُنامی یل.
- ۱۹۱۲ بیست و یکم آوریل: لونی سیمون به مقام سروانی در گردان دوم ارتش استعماری ماداگاسکار می‌رسد، به ماری می‌رود و از آن جا همراه زنش با کشتی عازم ماداگاسکار می‌شود.
- ۱۹۱۳ دهم اکتبر: تولد کلود اُژن آنری سیمون در آنتاناناریو.
- ۱۹۱۴ مه: بازگشت لونی سیمون و همسر و تک‌پسرشان، کلود، به فرانسه.
- ششم اوت: لونی سیمون به پرینیان فراخوانده می‌شود، به گردان بیست و چهارم پیاده‌نظام استعماری. بیست و هفتم اوت: سروان لونی سیمون در جنگل ژُلنه، نزدیک استنه، در شهرستان موز، کشته می‌شود.
- کلود سیمون را مادرش در پرینیان، در عمارت خانوادگی، بزرگ می‌کند، مادر بزرگش، خاله و شوهر خاله‌اش، آنری کارکاشن، و شش بچه‌شان نیز آن جا ساکن بودند. تابستان‌ها تمام افراد خانواده در آلونس می‌مانند، در ملک کارکاشن، نزدیک دریا، میان پرینیان و کانه. سیمون قسمتی از تابستان را، معمولاً اوت را، در منزل عمه‌هایش در اربوآ می‌گذرانند. پس از اتمام تعطیلات، وقتی به آلونس بازمی‌گردد، باید سوار تراموا شود تا به کالج فرانسوا-آراگو در پرینیان برود؛ خانواده‌اش تا اوایل نوامبر بازنمی‌گردند.
- ۱۹۱۹ مادر کلود سیمون او را به سفر می‌برد، از میان مناطق ویران فرانسه، در جست‌وجوی قبر پدرش.
- ۱۹۲۲ نوزدهم آوریل: مادر بزرگ کلود سیمون، لونی ماریان دُنامی یل، در پرینیان از دنیا می‌رود.
- ۱۹۲۵ بیست و دوم آوریل: سیمون به کالج استانیسلاس در پاریس وارد

می‌شود، شاگرد شبانه‌روزی در کلاس پنجم. پنجم مه: مادر سیمون پس از بیماری طولانی در پرینیان از دنیا می‌رود. به خواست مادرش یکی از عموزاده‌ها قیم کلود می‌شود، پل کُده، افسر سابق سواره‌نظام و خلبان نظامی، فرزند آتری کُده، سناتور، و پدر لونی کُده، نماینده‌ی مجلس و نویسنده، که در ۱۹۱۴ بر اثر جراحات جنگی از دنیا می‌رود. در زندگی من سه خاندان بودند، بسیار متفاوت، خاندان مادرم، خاندان عمه‌هایم در اربوآ و خاندان قیمم.

تابستان: برای زبان‌آموزی اقامتی شش هفته‌ای در آکسفورد دارد. ۱۹۲۸

ژوئیه: سیمون بخش اول دیپلم خود را پشت‌سر می‌گذارد؛ لاتین بدون یونانی، سپس برای زبان‌آموزی به کمبریج می‌رود. ۱۹۲۹

ژوئیه: بخش دوم دیپلم، بخش ریاضیات. پس از اعتراض در کالج، از استایسلاس اخراج می‌شود. مادرش آرزو داشت سیمون به کالج دریانوردی یا پلی‌تکنیک برود، در ریاضیات پیشرفته‌ی دبیرستان سن لونی ثبت‌نام می‌کند، تخریبی که دوامی ندارد. ۱۹۳۰

به پرینیان بازمی‌گردد و نقاشی می‌کند. ۱۹۳۱

سیمون به پاریس بازمی‌گردد، به منزل قیّمش، پل کُده، که معاون موزه‌ی ارتش در آن‌ولید شده است. در آکادمی آندره لُت ثبت‌نام می‌کند تا در کلاس‌های نقاشی شرکت کند. بخت خود را در عکاسی می‌آزماید. تعدادی از عکس‌هایش پیش از جنگ در نشریات منتشر می‌شوند، مثل «رقاصه‌ها»^۱ در شماره‌ی چهار نوامبر ۱۹۳۸ مجله‌ی وِرُو^۲. به لطف مجله‌ی لو میّت^۳ با سوررنالیسم آشنا می‌شود. در این سال‌ها و سال‌های بعد مشغول خواندن پروست، بالزاک، فلوربر، زولا، سلین و جویس می‌شود. ۱۹۳۳

۱۹۳۴ در بیست و یک سالگی دست سیمون به ثروت نسبتاً زیادی می‌رسد که مادرش برایش به ارث گذاشته است.

۱۹۳۴-۱۹۳۵ خدمت سربازی در گردان سی و یک سواره نظام در لوئویل. سیمون از سیزده سالگی سواری آموخته بود.

۱۹۳۶ سیمون نوشتن را آغاز می‌کند. ۱۹۳۶ اولین رمانم را نوشتم، آن را پاره کردم.

با دوست کمونیستش، لونی مُنترزِس، نیمه‌ی دوم سپتامبر را در بارسلون سپری می‌کند، بارسلون در اختیار آنارشیست‌هاست. برای هموار کردن راه این سفر کارت عضویت حزب کمونیسم تهیه می‌کند. انقلاب اسپانیا را به نظاره می‌نشیند.

اکتبر - نوامبر: سیمون در ماریسی در خرید محموله‌ای نظامی برای دولت جمهوری خواه اسپانیا و سپس برای انتقالش به بندر سِتا مشارکت می‌کند. نروژ به قرارداد مشهور «عدم دخالت در امور کشورهای دیگر» پیوسته بود و ناخدا [ی کشتی نروژی] نمی‌توانست به اسپانیا برود. اما ناخدای لنج (نام لنج کارمین بود - هنوز عکس دو کشتی را در بندر سِتا، در کنار یکدیگر، دارم) و خدمه‌اش، که همه از آنارشیست‌های بی‌سروصدا بودند، فقط از مرد ایتالیایی ماجراجویی اطاعت می‌کردند. که او را «فرمانده» صدا می‌زدند و در عمارتی در پرینیان پنهان شده بود.

۱۹۳۷ بهار و تابستان: سفر به برلین، ورشو، مسکو، اودسا، بازگشت از راه استانبول، یونان و ایتالیا، مهم‌تر از همه شهر ارتسو.^۱ تمام تابستان اقامت در پرینیان. سیمون همچنان نقاشی می‌کند. ۱۹۳۸ سیمون نوشتن رمانی را آغاز می‌کند که بعدها متقلب^۲ نام می‌گیرد. کم‌وبیش نیمی از آن را پیش از فراخوان ارتش می‌نویسد.

۱۹۳۸-۱۹۳۹ کافکا را از طریق خواندن ترجمه‌ی فرانسوی کارهایش
کشف می‌کند و خشم و هیاهوی فاکتر را می‌خواند که نوامبر به فرانسوی
ترجمه شده است.

۱۹۳۹ بیست و هفتم اوت: سیمون در مقام سر جوخه به گردان سی و یکم
سواره نظام می‌پیوندد. گردان در زمستان در استان آردن درگیر جنگی
عجیب می‌شود.

۱۹۴۰ دهم مه: برای مقابله با یورش آلمانی‌ها به بلژیک، گروهان چهارم
از سواره نظام ارتش نهم (به فرماندهی ژنرال کُراپ)، که گردان سی و
یکم سواره نظام نیز در آن است، به جنگ آلمانی‌ها می‌رود. یازدهم
مه: گردان سوار بر اسب از موز می‌گذرد، اما در مواجهه با تانک‌ها و
زیرآتش هواپیماهای آلمانی سواره نظام گردان سی و یکم هشت روز
مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. هفدهم مه: گروه اول گردان گرفتار
شیخون می‌شود. سیمون فرار می‌کند، قصد دارد به نیروهای فرانسه
پیوندد. پس از چند ساعت فرماندهی را می‌بیند که وسط جاده
درگیر شده است. فردای آن روز سیمون اسیر و به اردوگاه چهار-ب
در مولبرگ^۱ در جنوب براندبورگ^۲ فرستاده می‌شود.

ژوئن: لوئیز و آرتمیز سیمون آربوآ را ترک می‌کنند، از طریق خاک
فرانسه می‌گریزند و در منزل موروثی برادرزاده‌شان در پرینیان ساکن
می‌شوند.

اکتبر: سیمون، که توانسته است خود را ماداگاسکاری جا بزند،
بازندانیان دیگر مناطق استعماری به فرانسه برمی‌گردد. به اردوگاه
استان لند^۳ که می‌رسد، بیست و هفتم اکتبر، فرار می‌کند و دوباره به
پرینیان برمی‌گردد.

1. Mühlberg

2. Brandebourg

3. Landes

۱۹۴۱ سیمون غرق خواندن می‌شود: کنراد، داستایفسکی، چخوف، پروست

— در طول جنگ که پروست را برای بار دوم خواندم، واقعاً این غول را ستودم — و مجموعه آثار بالزاک. همچنان نقاشی را نیز ادامه می‌دهد.

آوریل: سیمون متقلب را تمام می‌کند.

با نقاشان طرح دوستی می‌ریزد: با رانول دوفی، که به پرینیان پناه آورده بود، و ژان لورسا. از طریق آن‌ها با ادمون بُمِسل آشنا می‌شود، شریک انتشارات سَژیتِر^۱، مقامات این انتشارات را یهودی دانسته و مصادره‌اش کرده بودند. بُمِسل پیشنهاد می‌کند که پس از جنگ متقلب را منتشر کند.

۱۹۴۴ فوریه: با «مقاومت» همکاری‌هایی می‌کند، ولی می‌فهمد او را لو داده‌اند. پرینیان را ترک می‌کند و باز در پاریس مستقر می‌شود.

۱۹۴۴ نوزدهم مارس: در نمایش نامه خوانی نمایش دم هوس را گرفته‌اند^۲ پیکاسو در منزل بُمِسل لیریس شرکت می‌کند، کامو کارگردان این نمایش نامه خوانی بود، سارتر و سیمون دُبووار نیز در این مجلس حضور داشتند.

از آوریل تا زمان آزادسازی پاریس در اوت، آپارتمان سیمون، در بولوار مونپارناس، مکانی امن برای حزب مقاومت به حساب می‌آید. انتشار متقلب در انتشارات سَژیتِر.

۱۹۴۶ سیمون به اربوآ می‌رود تا منزل عمه‌هایش، لونی و اریتمیز، را بفروشد. آن‌ها در پرینیان مانده بودند.

۱۹۴۷ انتشار ریسمان محکم^۳ در سَژیتِر.

1. Éditions du Sagittaire

۲. Le désir attrapé par la queue؛ این عنوان بازی با اصطلاح Le diable attrapé par la queue به نظر می‌رسد. معنی تحت‌اللفظی آن «دم شیطان را گرفته‌اند» می‌شود و معادلش در فارسی می‌تواند اصطلاح «آه در بساط نداشتن» باشد.

3. La Corde raide

- ۱۹۵۱ مبتلا به سل می‌شود، پنج ماه در بستر می‌ماند و دو سال با عارضه‌های آن وضع جسمانی دست و پنجه نرم می‌کند. پنج ماه درازکش زندگی کردم. منظره‌ام فقط پنجره‌ای بود. هان؟ چه می‌کردم؟ دیدن (دیدن)، تماشای حریصانه. دیدن، سکون و به یاد سپردن.
- ۱۹۵۲ انتشار گالیور در انتشارات گل‌مان لوی. در دوران نقاهت تاج گذاری بهار^۱ را می‌نویسد.
- ۱۹۵۴ انتشار تاج گذاری بهار در گل‌مان لوی.
- ۱۹۵۵ بیست و دوم مه: مرگ ارتمیز سیمون در پرینیان. هنگام نوشتن باد^۲ سیمون عکس‌هایی سیاه و سفید می‌گیرد، خصوصاً در پرینیان و حوالی آن؛ از سال ۱۹۶۰ برای مدتی این کار را کنار می‌گذارد.
- ۱۹۵۶ در روایت^۳ یا الن رب‌گری به آشنا می‌شود، رب‌گری به مشاور انتشارات مینویی است. دست نویس باد را می‌خواند و آن را به ژروم لندن می‌سپارد.
- دیدار با پیکاسو: به لطف ژاک پرور با او آشنا شدم. تابستان ۱۹۵۶، در آنتیپ بود. تازه از نوشتن باد فارغ شده بودم.
- ۱۹۵۷ سپتامبر: انتشار باد در انتشارات مینویی، تمام رمان‌های بعدی او در این انتشارات چاپ می‌شوند.
- ۱۹۵۸ اکتبر: انتشار سبزه^۴.
- ۱۹۶۰ سپتامبر: انتشار جاده‌ی فلاندر^۵ جایزه‌ی لیکسپرس^۶ را برایش به

1. *Le Sacre du printemps*

2. *Le Vent*

3. *Royaumont*

4. *L'Herbe*

5. *La Route des Flandres*: منوچهر بدیعی این اثر کلود سیمون را ترجمه کرده است.

6. *L'Express*

ارمغان می آورد. در همین ماه «مانیفست ۱۲۱»^۱ را در دفاع از حق عدم تمکین در جنگ الجزایر امضا می کند؛ متهم به توهین به ارتش فرانسه می شود.

نوامبر: سیمون در دادگاه ژانسن^۲ (حامی نهضت آزادی بخش الجزایر) شهادت می دهد.

زمستان: سیمون در سلسله جلساتی در منزل ژروم لندن شرکت می کند، همراه آلن رب گریه، ژان ریکاردو، کلود آلیه و ژان تیبودو. خیال می کنم رب گریه در ذهنش به چیزی شبیه فرهنگ لغت فکر می کرد. اما معلوم شد که به چیزهای بسیار متفاوتی می اندیشیدیم. شباهت مان در انصراف مان از رمان سنتی بود، یکدیگر را می ستودیم. احساس همراهی و عدم تنهایی. یازدهم ژانویه: سیمون در سوربن سخنرانی می کند: معنا، رمان و وقایع نگاری.

شازدهم مارس: در جلسه ای در کلژ د فرانسه شرکت می کند، مرلوپوتی در این جلسه از آثار او سخن می گوید و بیش تر به تفسیر ریسمان محکم، باد، سبزه و جاده ی فلاندر می پردازد.

سیمون فیلم نامه ای اقتباسی از جاده ی فلاندر می نویسد. نوشتن دکوپاژ فیلم نامه با اقتباس از رمانی مانند جاده ی فلاندر که اساسش بر سلسله ای از تصاویر بود بسیار آسان بود؛ دکوپاژی که در آن همه چیز (مکان و حرکات بازیگران، دوربین، کادربندی، دکور) با جزئیات بسیار توصیف شده بودند.

۱. صد و بیست و یک نفر از روشنفکران فرانسوی آن را امضا کرده اند از جمله سیمون دُبووار، موريس بلانشو، آندره برتون، میشل بوتور، مارگريت دوراس، میشل لریس، سیمون سینیهور، ژان پل سارتر، ناتالی ساروت و آلن رب گریه.

۲. Jeanson؛ گروهی از نظامیان فرانسوی که اموال اعضای نهضت آزادی بخش الجزایر را به فرانسه انتقال می دادند و برای شان مدارک جعلی فراهم می کردند و به آنان لقب «چمدان بر» داده بودند، متهم شدند به خیانت به فرانسه و بسیاری از آنان احکامی سنگین گرفتند.

۱۹۶۲ مارس: سیمون بارناکاراواس آشنا می شود، بعدها با او ازدواج می کند.
آوریل: انتشار قصر^۱. سفر به ایتالیا همراه رنا.

سیمون مقدمه ای می نویسد برای کاتالوگ نمایشگاهی از آثار نقاش ایتالیایی، گاستونه نولسی، در نیویورک؛ مقدمه^۲ را ریچارد هوارد به انگلیسی ترجمه می کند. سیمون در نمایشگاه پیشین این نقاش در گالری فلو، در پاریس، از هفتم نوامبر تا هفتم دسامبر ۱۹۶۱، با این نقاش ایتالیایی آشنا شده بود.

۱۹۶۳ سیمون مشغول بازسازی خانه ای می شود که در سانس، در پیرنه آرانتال، به او ارث رسیده است. رویه اش می شود که تابستان ها را آن جا سپری کند.

هشتم مارس: سیمون به سالن لوتس می رود و در اولین اجرای جدایی حاضر می شود، نمایش نامه ای که از سبزه اقتباس شده است. تابستان: سیمون در لاهتی فنلاند سخنرانی می کند.

۱۹۶۴ بیست و هشتم مه: پس از انتشار مضامین از سارتر در لو موند که در آن گفته بود: در مقابل کودکی که جان می دهد «تهوع» به کاری نمی آید، سیمون در مقاله ای در لکسپرس با عنوان «پس سارتر برای که می نویسد؟» پاسخ او را می دهد.

سیمون تعدادی از نوشته های چاپ نشده اش را منتشر می کند، نوشته هایی که بعدها در تاریخ^۳ کم و بیش آن ها را بازنویسی و دوباره منتشرشان می کند، علی الخصوص «مکاتبات»^۴ ش را که در تل کِل^۵ منتشر شده اند.

هفتم دسامبر: در نامه ای سرکشاده خطاب به انجمن دانشجویان

1. *Le Palace*

2. "Gastone Novelli and the Problem of Language"

3. *La Séparation*

4. *Histoire*

5. *Tel quel*

کمونیست، که در لکسپرس چاپ می شود، توضیح می دهد چرا نپذیرفته
همراه سارتر و دیگران در میتینگ شرکت کند.

۱۹۶۶ انتشار زنان^۱ در انتشارات مگ^۲: متن سیمون در کنار بیست و سه تابلو
از خوان میرو.

۱۹۶۷ مارس: انتشار تاریخ. جایزه‌ی مدیسی را از آن خود می کند.
آوریل: در نشستی با نام «ادبیات: سنت و انقلاب» در وین شرکت
می کند.

اکتبر: سفر به یونان. این سفر نقشی اساسی در شکل گیری رمان
نبرد فارسال^۳ دارد.

۱۹۶۸ پاییز: اولین سفر به نیویورک. سیمون در شهر می چرخد، از موزه‌ی هنر
مدرن دیدن می کند و مبهوت آثار راشنبرگ، یولسن، بوری و مادرول
می شود. دانشگاه‌های امریکایی متعددی از او دعوت می کنند، به نقاط
مختلف ایالات متحده می رود. تا سال ۱۹۹۰ سفرهای متعددی به
نقاط مختلف دنیا می کند و در جلسات گوناگونی شرکت و سخنرانی
می کند.

۱۹۶۹ مه: دکترای افتخاری دانشگاه است انگلیا^۴.
اوت: سیمون در کنگره‌ی نویسندگان شرکت می کند، در سانتیاگو
شیلی.

سپتامبر: انتشار نبرد فارسال.

۱۹۷۰ آوریل: انتشار جبار کوره^۵ در انتشارات سکیرا^۶، در مجموعه‌ای با عنوان
کوره‌های آفرینش؛ متن سیمون در کنار عکس‌ها و طرح‌ها و تابلوهایی
از راشنبرگ، پومسن، دوبوفه، پیکاسو و دیگران، همراه مقدمه‌ای مهم از
سیمون.

1. Femmes
4. East Anglia

2. Maeght
5. Orion aveugle

3. La Bataille de Pharsale
6. Skira

۱۹۷۱ مارس: انتشار اجرام هادی^۱، متن جبار کور (بدون مقدمه) در این کتاب دوباره منتشر می‌شود.

بیستم تا پایان ژوئیه: در سریزی لسل^۲ نشستی با موضوع رمان نو، با مدیریت فرانسواز فان رُسوم گی یُن^۳ و ژان ریکاردو، برگزار می‌شود. کلود سیمون در این نشست سخنرانی می‌کند: «تخیل، نه یک کلمه بیش نه یک کلمه کم»، که در گزارش این جلسه منتشر می‌شود: رمان نو: دیروز، امروز، در غیاب سیمون بحثی در مورد جایگاه مصادیق در رمان درمی‌گیرد که اختلاف نظر سیمون با دیگر شرکت کنندگان را نشان می‌دهد، خصوصاً ژان ریکاردو و آلن رب گریه.

ژانویه: انتشار سه گانه^۴. ۱۹۷۳

از ابتدا تا هشتم ژوئیه: سیمون در تمام جلسات نشست «کلود سیمون: تحلیل، نظریه» شرکت می‌کند، این نشست در سریزی لسل برگزار می‌شود و مدیریت آن را ژان ریکاردو بر عهده دارد. سیمون به پرسش‌های شرکت کنندگان پاسخ می‌دهد، ابتدا با پاسخ‌هایی کلی و مختصر و سپس با جزئیات بیش تر. این پرسش و پاسخ در گزارش نشست منتشر می‌شود. ۱۹۷۴

فوریه: سفر به هند، در دهلی نو و شهرهای دانشگاهی هند سخنرانی‌هایی ایراد می‌کند. ۱۹۷۵

ژوئن: بنگاه برنامه‌سازی رادیو و تلویزیون آلمانی اِس آر ۵، با سناریویی که خود سیمون از رمان سه گانه اقتباس کرده بود، در قالب مستندی در مورد نویسندگی او، فیلم کوتاهی دوازده دقیقه‌ای با عنوان بن بست^۵ می‌سازد.

1. *Les Corps conducteurs*

3. *Françoise van Rossum-Guyon*

5. SR

2. *Cerisy-la-Salle*

4. *Triptyque*

6. *Die Sackgaare (L'Impasse)*

سیمون در دانشگاه اُسلو در مورد پروست سخنرانی می‌کند: «ماهی کلیسای جامع».

سپتامبر: انتشار درس چیزها^۱.

۱۹۷۶ سیمون به فیلم اقتباسی جاده‌ی فلاندر باز می‌گردد. از سازمان ملی سینمایی تقاضای کمک مالی می‌کند و ۱۹۷۷ این بودجه به او اختصاص داده می‌شود. پلان به پلان دکوپاژ جاده‌ی فلاندر را انجام داد، هیئت تخصیص بودجه بیش‌ترین میزان کمک را به من دادند و من را از بعضی قوانین معاف کردند تا خودم فیلم را بسازم. اما هیچ تهیه‌کننده‌ای علاقه‌ای به این کار نداشت.

۱۹۷۸ در کمند عمارت پرپینیان، یکی از دخترخاله‌های سیمون نامه‌ها و اسنادی را پیدا می‌کند که به زندگی و کارهای جدشان، ژان-پی‌یر لکومب من میشل، عضو کنوانسیون انقلاب و ژنرال امپراتوری، مربوط است.

سپتامبر: سیمون در نیویورک اسوند سخنرانی می‌کند: «رمان، توصیف و عمل».

سپتامبر: انتشار برگزگانه^۲. ۱۹۸۱

پاییز: نشستی در نیویورک با مدیریت تام بیشاپ، با شرکت کلود سیمون، آلن رب‌گریه، ناتالی ساروت و روبر پَنژه. رمان‌نویسان از ژان ریکاردو فاصله گرفته‌اند.

۱۹۸۲ مه: نشستی در ژنو. سیمون در مورد پروست سخنرانی می‌کند.

۱۹۸۳ فوریه: انتشار صورت فلکی گیسو^۳ در انتشارات مینوی، متن زنان این بار بدون نقاشی‌های میرو تجدید چاپ می‌شود.

۱۹۸۴ سفر به مسکو. چند سال پیش به انجمن نویسندگان شوروی دعوت

1. *Leçon de choses*
3. *Les Géorgiques*

2. Göteborg
4. *La Chevelure de Bérénice*

شده بودم، انگار از من بازجویی می کردند. وقتی از من پرسیدند
مهم ترین مسائلی که با آن ها درگیرم چه هستند، میزبانانم را با جوابی
که دادم شگفت زده کردم، گفتم سه معضل اصلی من این ها هستند:
شروع، ادامه و اتمام یک جمله.

۱۹۸۵ سیمون مشغول نوشتن آفاقا شده است.

هفدهم اکتبر: نوبل ادبیات به کلود سیمون اهدا می شود.
نهم و دهم دسامبر: سیمون در استکهلم مقابل اعضای آکادمی
سوئدی سخنرانی — به رسم همیشگی آکادمی نوبل — و جایزه را
دریافت می کند.

۱۹۸۶ مارس: انتشارات مینوی سخنرانی استکهلم را منتشر می کند.

اکتبر: به سالن ایسیک کول^۱ در فروزنه^۲ ای قزاقستان دعوت می شود،
همراه بانزده مهمان سرشناس دیگر از جمله پتر یوستینوف و آرتور
میلر. فقط سیمون از اعضای متن پایان جلسه سر بازمی زند و ملزم شان
می کند که اصلاحاتی در آن انجام دهند. در بازگشت مدعوین به
دعوت گورباچف به مسکو می روند.

چهاردهم و پانزدهم نوامبر: نشستی در ژنو به مدیریت لوسین
دالنباخ. تعدادی از سخنرانی های این نشست با عنوان در مورد کلود
سیمون^۳، در انتشارات مینوی، ۱۹۸۷، منتشر شده اند.

۱۹۸۷ دسامبر: انتشار دعوت^۴. کاغذهایم را که مرتب می کردم، به
یادداشت های کوتاهی برخوردی که در سفر به شوروی نوشته بودم و
سعی کردم تا آن ها را تمیزتر و روشن تر بنویسم.

۱۹۸۸ انتشار آلبوم یک خام دست^۵ در انتشارات رامر سیکرشین^۶، در ۹۹۹

1. Issyk-Koul
3. Sur Claude Simon
5. Album d'un amateur

2. Frounze
4. Invitation
6. Rommerskirchen

- نسخه با امضای کلود سیمون: «متن‌های کلود سیمون در مورد طرح‌ها و عکس‌هایی از او، به جز چند استثنا».
- سیمون در مجلس برندگان نوبل در پاریس شرکت می‌کند.
- ۱۹۸۹ سپتامبر: انتشار آفاقا.
- اکتبر: دکترای افتخاری دانشگاه بولونیا.
- اکتبر - نوامبر: سفر به ژاپن.
- ۱۹۹۲ انتشار عکس‌ها، ۱۹۳۷-۱۹۷۰، در انتشارات مگ. هم‌زمان نمایشگاهی از همان عکس‌ها در گالری مگ در پاریس برگزار می‌شود.
- نهم آوریل تا چهارم مه: نمایشگاه عکس‌هایی دیگر در گالری شتودو^۲ در تولوز.
- ۱۹۹۳ اکتبر: سفر به آمریکا و کانادا و سخنرانی در این دو کشور. سی‌ام اکتبر: دکترای افتخاری دانشگاه کینگستون.
- ۱۹۹۴ انتشار نامه‌های کلود سیمون و ژان دویوفه، نامه‌ها، ۱۹۷۰-۱۹۸۴، در انتشارات لُشپ^۳.
- ۱۹۹۶ مه: کلود سیمون به اربوآ می‌رود. نام او بر خیابانی از روستای پلاننش گذاشته شده است.
- ۱۹۹۷ سپتامبر: انتشار باغ گیاه‌شناسی^۴.
- ۱۹۹۸ جاده‌ی فلاندر از منابع آزمون پذیرش اساتید می‌شود.
- ۲۰۰۱ مارس: انتشار تراموا^۵.
- ۲۰۰۵ ششم ژوئیه: مرگ کلود سیمون در پاریس.

1. *Photographies, 1937-1970*
 3. *Correspondance, 1970-1984*
 5. *Le Jardin des Plantes*

2. *Château-d'Eau*
 4. *L'Échoppe*
 6. *Le Tramway*